

## ﴿ گفتار هشتم ﴾

## آزادی و اطاعت بچه

بین مسئله در میان معلمان و مربیان و صاحبان اولاد مایه  
 گفتگو و مناقشه شده است که اگر چنانکه دکتر ماریا  
 مونتسوری پیشنهاد میکند آزادی مطلق بچه‌ها در حرکت  
 و عمل بدهیم تا بچه خوب نمیدهد سهل است که ضرر هم  
 دارد و آنرا بی تربیت بار می‌آورد. این ایراد و همچنین سایر اعتراضات  
 از دو جهت سر میزنند یکی اینکه آداب و عادات کهنه و عقاید قدیمه  
 در باره تربیت بچه‌ها طوری در طایع و اخلاق مردم جایگیر  
 شده و ریشه دوانیده است که پیشنهاد تغییر آنها موجب انقلاب  
 فکری مردم می‌شود و این تربیت جدید را بسختی میتوانند قبول  
 و هضم کنند و جهت دوم این است که چون دزین باب چیز زیادی  
 نوشته نشده و اغلب مردم نیز بخوبی بحقیقت این طریقه جدید  
 پی نبرده و چگونگی آنرا با چشم خود ندیده‌اند لهذا در نظر  
 کوتاه ایشان بسیار غریب و معما می‌آید و نمیتوانند بفهمند که چگونه  
 تربیت و تعلیم با آزادی بچه در حرکت و عمل میتواند سازش کند.  
 چون در مملکت ما که فرسخها از افکار جدید عقب مانده



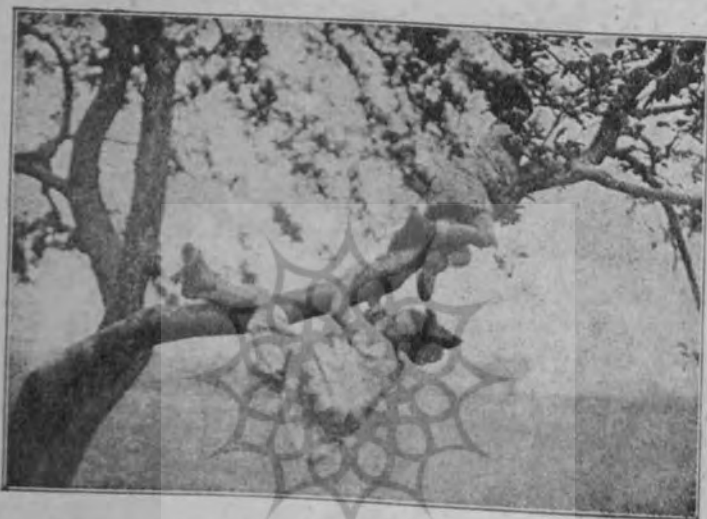
است و جهالت مردم بیشتر از سایر ممالک است و باین نکته اعتراض و ایراد خواهد شد لازم می بینم که این مسئله را بقدر کافی حلاجی کنم و ثابت نمایم که اولاً آن آزادی مطلق که مایه بی افساری و خودسری و بی ادبی باشد بیچه ها داده نمی شود و ثانیاً این آزادی که در ذیل شرح خواهم داد لازمه يك تربیت صحیح استقلالی و ترقی سریع طبیعی است و اگر میخواهیم فرزندان ما در مبارزه زندگی ظفریاب بشوند و يك شخصیت آزاد و مستقل با يك قوه اراده و متانت و تعقل دارا شوند باید از آغاز طفولیت آنها را درین زمینه تربیت کنیم.

خود دکتر ماریا موقسوری ملتفت این اعتراض شده و در یکی از کتابهای خود ایضاحات ذیل را داده است :

«در طریقه جدید ما بکلمه اطاعت و ادب و دیسپلین (نظم) يك معنی دیگر میدهیم. اگر اطاعت مبنی بر آزادی باشد پس قطعاً باید عملی و مستقل شود. اگر يك بچه بطور مصنوعی و باسفاش، ساکت و بی حرف و مانند مفلوج بی حرکت بشود ما این را اطاعت و ادب و دیسپلین نمی شماریم بلکه يك چنین بچه را ضایع شده میدانیم. ما بچه مطیع و منتظم آن را مینامیم که مالک نفس خود بوده و آنرا در جائیکه بیروی يك قانون لازم است بتواند اداره کند. دیسپلین عملی این است. گر چه فهمیدن و اجرا کردن این نظریه قدری سخت است اما در فن تربیت تأثیر بزرگی دارد و بکلی از تربیت اجباری و بی حرکت کننده که تا کنون معمول بوده و معترضی ندارد متفاوت است.

«مربی و پرستار بچه يك هنر و مهارت مخصوصی باید داشته باشد تا بچه را درین راه نو همراهی کند چه این راهی است که بچه در تمام عمر خود باید بیاماید تا بدرجه کمال برسد. وقتیکه

بچه بجای بیحرکت ماندن، اجرای اعمال و حرکات مختلف را یاد میگیرد خود را نه تنها برای مدرسه بلکه برای زندگانی حاضر مینماید زیرا باین وسیله عملاً عادت میکند که حتی در کارهای اجتماعی و زندگانی روزانه نیز يك فرد درست و منظم بشود. باین ترتیب بچه يك اطاعت و نظم و دیسیپلین خو میکند که محدود بدیوارهای



بچه‌ها در باغ میثوانتیک بیدرخت بالا روند — مدرسه دختران «کارسن» در «فلاونتاون» آمریکا

To climb on the trees, Carson College for girls,  
Floutown, Pennsylvania

مدرسه نیست بلکه در تمام دوره زندگی لازم خواهد داشت. «آزادی باید با منافع اجتماعی محدود شود و در شکلی تظاهر کند که آنرا رفتار و اعمال و یا آداب و اخلاق مینامیم یعنی در اجرای هر عمل و حرکت که برضد منافع اجتماعی و اخلاق و آداب نباشد بچه را آزاد باید گذاریم. و برعکس او را

از اجرای کارهاییکه بدیگران ضرر و رنج میرساند و یا ناشایست و مخالف ادب است منع کنیم. لیکن هر عمل و حرکتی که يك هدف مفید دارد هر چه باشد و در هر شکل رونما شود نه تنها باید اجازه داده شود بلکه از طرف مری هم در زیر مراقبت و دقت باید گرفته شود. مری نه تنها باید لیاقت فنی داشته باشد بلکه مهارت و استعداد تدقیق و تشخیص حالات طبیعی بچه نیز بر وی لازم است. بنا برین پیش از فعال و جوال شدن باید متحمل و مدقق باشد و هر قدر در جستجوی حقایق فنی و کنجکاوی چگونگی تکامل قوا و حواس بچه ذوق مفرط نشان دهد و حالاتی را که مشاهده میکند با حس حرمت تلقی نماید بهمان درجه قوه تدقیق و تحمل او قوت خواهد گرفت و در ادای تکالیف خود کامیاب خواهد شد.

«بچه‌ها با اعمال و حرکات خود نخستین تظاهرات روحی خود را نشان میدهند. پس وقتیکه بچه يك حرکت آنی بعمل می‌آورد اگر آن حرکت را خفه کنیم و در جایش بخشکانیم شاید قوه حیاتی او را هم خفه و خشک میکنیم. در دوره دلربا و لطیف بچگی، بشریت تمام علویت و <sup>و مطالبه علویت</sup> ~~و مطالبه علویت~~ عقلی خود را مانند آفتاب صبح جلوه میدهد و چون گل بارش آوردن نخستین برگهای خود تجلی میکند و بنا برین لازم است که ما این عالم بچگی را با يك تعظیم دینی محترم شماریم و درین حال یگانه کاریکه در تربیت بچه مؤثر است آن یکی خواهد بود که بشکستن غنچه حیات وی یاری کند. برای رسیدن باین مقصود باید از قطع و توقیف نمودن حرکات آنی بچه و از تحمیل کارهاییکه اراده دیگران امر میکند بقدر امکان احتراز کنیم مگر اینکه آن اعمال بچه بی فایده و خطرناک باشد که درینصورت البته باید از آنها جلوگیری کرد.»

ازین بیانات دکتر ماریا مونتسوری بخوبی فهمیده می شود که بچه ها را بغیر از اعمال مضر و مخالف آداب و اخلاق در تمام حرکات آزاد باید گذاشت. لیکن تشخیص کارهای مضر و ضد آداب چندان آسان نیست بخصوص در مملکت ما زیرا اولاً هر طبقه از ملت آداب و رسوم مخصوصی دارد که آنها را خوب می شمارد و ثانیاً پدران منتها درجه تربیت آنها میداند که فرزندانشان عادات و طبایع ایشان را تقلید کنند و یاد گیرند و شباهت اخلاقی با ایشان داشته باشند و رویهم رفته بچه ها نیز همان حالات و طبیعت پدر خود را می آموزند. اما مادران، ایشان نیز آن کارها و حرکتها و بازیها را که ضرری بخود ایشان نمیرساند و ایشان را بزرگوار نمیداند و اوقات ایشان را غرق و تلخ نمیکند خوب و مفید می شمارند و گرنه از اشتغال با آنها منع میکنند. چنانکه عادت زشت بستن بچه ها در قنداق از تبلی مادران سرزده بهمین جهت است که در خانواده های بزرگ و متمول بچه ها را به دایه و لالامی سپارند و بخال تربیت و ادب آنها را عروسک بی حرکت و بی اراده می سازند و مادران طبقات پائین هم برای راحتی خود و خلاصی از درد سر و زحمت، بچه های خود را بکوچه و بازار میریزند و ولگرد و هر جائی و بی ادب بار می آورند و بعبارت روشن تر همیشه احتیاجها و منافع و راحت شخصی خودشان را در نظر میگیرند و زندگیانی بچه را مقید و محدود با آنها می سازند. البته هر دوی این سلوک و رفتار مخالف فن تربیت و عقل است و راه صواب این است که بچه ها را در آغوش خانواده و در کودکستانها موافق قواعد فن تربیت پرورش دهند و در مسئله آزادی بچه اخلاق و طبیعت و راحت و استفاده خود را میزان قرار ندهند بلکه احتیاجات و شرایط تکامل بدنی و زندگیانی

آینده او را در نظر گیرند و باین ترتیب همه اعمال و حرکات او را که موافق این احتیاجها و شرطهاست آزاد گذارند.



شاگردان کلاس اول یک مدرسه ابتدائی زندگانی سرخ پوستان آمریکا را نمایش میدهند.  
"Indians" at Work in the First Grade.

برای شرح چگونگی این آزادی و فهمیدن درجه اهمیت آن چند مثال از قول ماربا مونتسوری باز درینجا نقل میکنم:

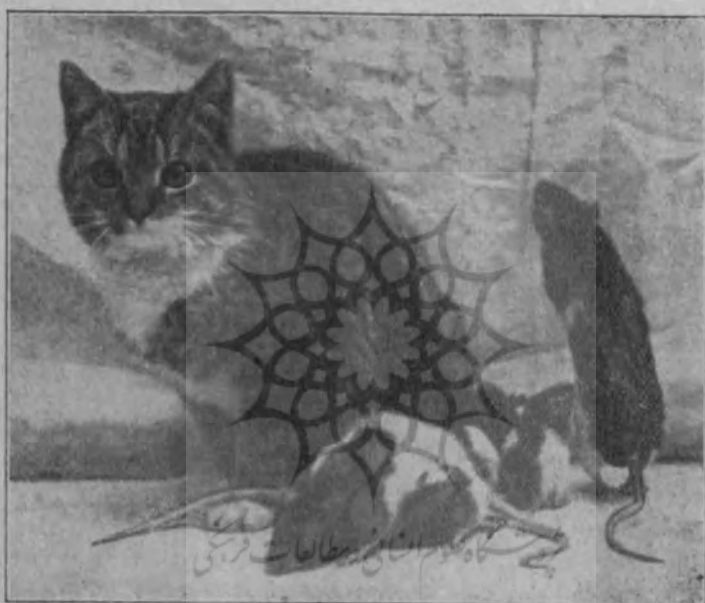


«در کودکستانهای مونتسوری چند نفر از مریبه‌های تازه را دیدم که باز بچه‌ها را بعد از دیرین امر بسکوت و بیحرکتی میکردند بدون اینکه حرکات ایشان را تدقیق و تفریق کنند. مثلاً در یکی ازین کودکستانها بچه بود که او را بی بهره از شعور و غیرطبیعی می‌شمردند چونکه در کارها و حرکات وی علامت تمیز و شعور و تعقیب يك مقصد معین، دیده نمی‌شد. روزی این بچه شروع کرد بعوض کردن جای میزهای كوچك اطاق با يك دقت و توجه مخصوص. مریبه فوری او را صدا کرد و گفت که در جای خود بنشیند و صدا درنیآورد. لیکن این امر مریبه بر خطا بود چونکه این کار برای آن بچه آغاز تظاهر شعور و انتظام و دقت و پیروی يك هدف معین بود که بآن وسیله استعداد خود را بموقع ظهور میگذاشت و بهمین جهت يك حرکت مفید و جالب دقتی بود که نبایستی جلوگیری شود!

«همچنین روزی در موقعیکه مدیره کودکستان اسباب بازیها را که بچه‌ها مشغول شده بودند جمع آوری کرده بترتیب نوی قوطی‌ها میگذاشت یکی از بچه‌ها نزد او آمد و میخواست او هم تقلید از مدیره کرده اسبابها را جمع آوری کند و نوی قوطی‌ها بگذارد. ولی مریبه فوری او را بجای خودش خواند. اینهم يك خطا بود زیرا بچه با این حرکت خود تمایل و شوق خود را يك کار مفیدی نشان میخواست بدهد و در کارهای نظم و ترتیب و صبر و تحمل میتواندست مهارت یاد بگیرد و لهذا منع او از این عمل بر خلاف آزادی و تربیت صحیح بود.

«باز روزی بچه‌ها در اطراف خمی پر از آب که نوی آن چندتا بازیچه‌ها روی آب در موج بود جمع شده و تماشا میکردند. درین کودکستان يك بچه دو سال و نیمه بود که پشت سر بچه‌های

دیگر مانده و چیزی نمیدید. از حالت معلوم بود که آرزوی شدیدی داشت که او هم ببیند. من بحال او از دور دقت میکردم. ابتدا خواست که بیچه‌های دیگر نزدیک شود و با دستهای کوچک خود شروع کرد بعقب کشیدن آنها ولی همینکه دید زورش نمیرسد که



پیشگاه علوم انسانی

گربه و موش

Cat and mouse

تأثیر تعلیم و تربیت در آزادی حیوانات

آنها را عقب بزنند و خود را بجلو بیندازند ازین کار منصرف شد و باطراف خود فکری انداخت و در چهره او نمودار قوه فکر بسیار قابل تماشا بود و اگر من ماشین عکاسی داشتم ازین حال



پرمغنی او عکسی بر میداشتم. نگاهی یکی از صندلی‌های کوچک کرد و بخیال اینکه آفرایا وارد و بالای آن رفته از پشت سر بچه‌ها تماشا کند يك پرتو امید و موافقت در رخسار او درخشیدن گرفت. لیکن همینکه میخواست آن صندلی را بردارد مریه ملتفت شده و بخیال دلسوزی و محبت او را روی دستهای خود برداشت و بر بالای سر بچه‌های دیگر گرفت و گفت: «بیا کوچلوی عزیز بیچاره من تو هم تماشا کن!» بدیهی است که این بچه همان شادی را که ابتدا پس از غلبه بمشکلات و برانداختن موانع بقوه خود احساس می‌توانست کند حالا احساس نخواهد کرد. دیدن این بازیچه‌ها با این حال برای او يك فایده عملی تولید نکرد در صورتیکه در حال اول آن کوشش متفکرانه قوای داخلی او را تقویت می‌توانست کرد. باین طریق، این مریه بچه را از تربیت نفس خود مانع شد بدون اینکه در مقابل این منع چیز خوب و مفیدی باو یاد داده باشد.

در مسئله آزادی نخستین قاعده که بچه‌ها باید یاد گیرند اینست که خوب را از بد بشناسند ولی وظیفه مهم مریه هم این است که نگذارد بچه‌ها خوبی را با عبارات از بیخبرگویی و سادگنی و بی‌صدائی و بی‌حرفی تصور کنند و کار و کوشش و حرکت و جنبش را بد بشناسند چنانکه دو تربیت قدیم اینطور بوده است.

بگمانم با این سه مثال بی بمقصد ماریا مونتسوری در آزادی حرکات بچه خواهید برد و خواهید فهمید که مریه صحیح شدن کار آسان نیست و از عهده هر زن با سواد هم بر نمی‌آید بلکه سالها زحمت باید کشید و بروح اطفال و چگونگی نشو و نماي بدن و حواس و قوای آنها آشنا شد و بالانرا از همه يك محبت بحدود و يك صبر و تحمل و دقت بزرگ در نفس خود ذخیره کرد

تأویب و کان ایران را از فیض یگ تربیت صحیح برخوردار و بختیار  
 ساخت. و اگر این مسئله را بخوبی بفهمید شما هم مثل من معتقد  
 خواهید شد که تربیت دختران، نخستین قدم در اصلاح معارف و  
 در تهیه سعادتی جامعه ما می باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی